

ما، جمعی دادخواه، یازده سال پیش متولد شدیم، تولد ما خجسته باد!



ما جمعی به نام «مادران پارک لاله ایران»

در یازده سال پیش در ششم تیرماه ۱۳۸۸، با فراخوانی در اعتراض به کشتن، مجروح، بازداشت و شکنجه کردن مردم معترض توسط نیروهای سرکوب گر حکومت اسلامی ایران، در پارک لاله تهران متولد شدیم. ما زنان دادخواه، به تمام جنایت های حکومت در طول دوران حکومت اش معترضیم و در کنار و همراه تمام خانواده های دادخواه ایرانی این راه را طی کرده و خواهیم کرد.

ما نیز برای فعالیت های مان در طی این سال ها به طور مستقیم و غیر مستقیم آسیب دیده ایم؛ از بازداشت، تهدید، احضارهای پیاپی، ممنوع الخروجی، اخراج از کار، پرونده سازی های جدید، و هم چنین تهدید، آزار، محرومیت و بازداشت اعضای خانواده. دو نفر نیز حبس های طولانی مدت کشیده اند و دو نفر با احکام سنگین تن به تبعید داده اند. با این وجود از تلاش و مبارزه دست نکشیده ایم و به عنوان «صدایی»

همراه با جنبش دادخواهی مردم ایران هم چنان زنده و فعال هستیم تا فریاد اعتراض و دادخواهی خانواده ها را به دیگر ایرانیان در سرا سر دنیا برسانیم.

ما برای پایان دادن به آزادی کشی، تبعیض و بی عدالتی در ایران مبارزه می کنیم و تا زمانی که توان داریم، این راه را ادامه خواهیم داد

ما مسیری را دنبال می کنیم تا ما انسان ها فارغ از هر عقیده، جنس، مذهب، قوم و طبقه بتوانیم بدون سرکوب و حبس و زندان و اعدام برای عقاید خود مبارزه کنیم و دنیایی عاری از بی عدالتی، تبعیض و نابرابری بسازیم.

از ابتدای به قدرت رسیدن حکومت اسلامی ایران تا به اکنون، جنایت های بیشماری توسط حکومت صورت گرفته است. از اعدام های بدون محاکمه سلطنت طلبان بر پشت بام مدرسه رفاه، قتل عام فعالان سیاسی در کردستان، ترکمن صحرا و خوزستان، قتل عام زندانیان سیاسی در دهه ک شصت، قتل های سیاسی نویسندگان، روزنامه نگاران و فعالان سیاسی که از سال

۱۳۷۳ کلید خورد و در پاییز ۱۳۷۷ به اوج خود رسید که به قتل های زنجیره ای معروف است، قتل و ناپدید کردن دانشجویان معترض در تیر ۱۳۷۸، کشتار مردم معترض به حقوق اجتماعی در سال ۱۳۸۸، کشتار مردم معترض به بی عدالتی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دی ماه ۱۳۹۶ و هم چنین قتل معترضان در آبان ۱۳۹۸، و کشتار مسافران پرواز ۷۵۲ اوکراین در ۱۸ دی ۱۳۹۸ و بسیاری از اعدام ها و قتل های خیابانی و ترورهای فاعلان سیاسی و اجتماعی در ایران یا خارج از کشور که از ابتدای به قدرت رسیدن این حکومت ستم کار تا به اکنون ادامه دارد و هر کدا م از این جنایت ها نیز مبارزات افشاگرانه و دادخواهانه ای را از سوی فعالان سیاسی و اجتماعی و خانواده ها به دنبال داشته است. هم اکنون نیز به شدت نگرانیم که احکام اعدام سه جوان به نام های؛ امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی که گفته شد ه حکم اعدام آنها در دیوان عالی کشور تأیید شده است، اجرا شود.

هم چنین از محکومیت های سنگین یا اعدام ۸ نفر از شرکت کنندگان در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ به شدت نگران و معترضیم.

رییس دادگستری اصفهان در نماز جمعه اصفهان گفته که حکم «مفسد فی الارض»

برای ۸ نفر از شرکت کنندگان در تظاهرات آبان ۱۳۹۸ محرز است. گفته می شود که

آنها به حبس های طولانی مدت و شلاق و اعدام محکوم شده اند و اطلاع دقیقی از وضعیت این احکام ناعادلانه در دست نیست.

حکومت از ترس خیزش های گسترده تر مردم علیه کل نظام این احکام سنگین را صادر می کند تا با ایجاد رعب و وحشت، فریاد اعتراض ض مردم جان به لب رسیده را در گلو خفه کند. ولی مردمی که از این همه دروغ گوئی، فساد، تبعیض، سرکوب و بی عدالتی به شدت خشمگین

و هیچ نقطه‌ی روشنی نیز در وضعیت موجود نمی‌بینند، با این احکام سنگین نه تنها خاموش نمی‌شوند، بلکه شعله‌خشم‌شان شعله‌ورتر خواهد شد.

سال ۱۳۸۸، کشتار مردم معترض در خیابان‌ها به وقوع پیوست، مردمی که برای ساده‌ترین حقوق خود پا به عرصه‌ی سیاسی جامعه گذاشته بودند و حقوق مدنی خود را طلب می‌کردند و با خشونت افسار گسیخته از سوی حکومت پاسخ گرفتند. این کشتارها اعتراض‌های گسترده‌ای را برای حدود دو سال به دنبال داشت و برخی از خانواده‌های کشته‌شدگان هم چنان فعال و دادخواه به دنبال گمشده‌ی خود می‌گردند و می‌خواهند بدانند که عزیزان‌شان چرا و به دستور و توسط چه کسانی کشته شده‌اند و چرا جنایت‌کاران به پای میز محاکمه کشانده نمی‌شوند. برخی از این خانواده‌ها که بر حق خود برای دانستن حقیقت و دادخواهی پای می‌فشارند، هم چنان زیر فشار شدید حکومت هستند و خودشان و خانواده‌های‌شان تهدید یا بازداشت می‌شوند و حکم زندان می‌گیرند.

فعالیت ما نیز از همان سال در اعتراض به کشتار وحشیانه، سرکوب و بازداشت مردم معترض آغاز شد. همراه با ما گروه‌های بسیاری از فعالان ایرانی در خارج از کشور با خانواده‌های دادخواه و ما همراه و هم صدا شدند و این حرکت‌ها و اعتراض‌ها هر هفته تا مدتها در تهران و شهرستان‌ها و کشورهای مختلف در خارج از کشور ادامه داشت. تجمع‌های هفتگی ما در روزهای شنبه در پارک لاله تهران با وجود تهدید و سرکوب پلیس و چندین بار بازداشت‌های جمعی، تا نزدیک به هشت ماه ادامه داشت و پس از آن تصمیم گرفتیم که شکل فعالیت مان را کمی تغییر دهیم تا میزان آسیب به اعضا را به حداقل برسانیم. به جای تجمع در خیابان، به خانه‌ها می‌رفتیم و کنار خانواده‌های کشته‌شدگان با آن‌ها همراهی و همدردی می‌کردیم و گزارش فعالیتهای مان را با تصاویری از خانواده‌ها و برخی از فعالان که اجازه انتشار تصاویرشان را داشتیم، منتشر می‌کردیم.

پس از چند سال به دلیل برخی بحث‌ها و اختلاف نظرها بر سر ادامه کار و حمایت‌های ما از جنبش دادخواهانه دهه‌ی شصت و اینک ما معتقدیم که دادخواهی را نمی‌توان تنها به حمایت از خانواده‌های کشته‌شدگان سال ۱۳۸۸ محدود کرد، تصمیم گرفتیم که کتابی درباره دادخواهی بنویسیم تا بیشتر درباره این مفاهیم بدانیم. این کار نزدیک به یک سال طول کشید و بخشی را نیز به معرفی فعالیت‌های دادخواهانه خانواده‌ها اختصاص دادیم. از فعالیت مادران و خانواده‌هایی که عزیزشان در سال‌های اولیه استقرار حکومت اسلامی، در تهران و شهرستان‌ها کشته یا زندانی شدند.

و حتی خانواده‌هایی که از زمان شاه جلوی زندان‌ها بودند تا به این وسیله فعالیت‌های دادخواهانه خانواده‌های قدیمی از جمله «مادران و خانواده‌های خاوران» و تلاش‌های شان برای دادخواهی را نیز معرفی کنیم. در انتها نیز به معرفی تلاش‌های حامیان مادران پارک لاله در سایر کشورها و معرفی برخی فعالیت‌های دادخواهانه مادران و خانواده‌ها در سایر کشورها پرداختیم. در مقدمه این کتاب نوشتیم: «ما در پیوند با خانواده‌ها به این نتیجه رسیدیم که: ما فعالان اجتماعی و خانواده‌های آسیب‌دیده، همه از دادخواهی صحبت می‌کنیم، ولی برداشت‌های گاه متفاوت از هم و حتی متضاد داریم. این برداشت‌های متفاوت، گاهی ممکن است ناشی از اختلاف در دیدگاه‌ها و روش‌ها باشد، ولی گمان می‌کنیم بیشتر به خاطر نبود درک درست و دقیق از مفاهیم دادخواهی است و همین نیاز ما را به این سو هدایت کرد که کتابی درباره مفاهیم دادخواهی به زبان ساده بنویسیم.»

این کتاب در ایران با استقبال زیادی روبرو شد، بخصوص در میان خانواده‌ها و فعالانی که به موضوع دادخواهی علاقمند بودند، هرچند برخاسته از آن با سختی‌ها و محدودیت‌های بسیار همراه بود. متأسفانه به دلیل بیماری و درگذشت زنده‌یاد بهمن امینی، مدیر پر تلاش انتشارات خاوران در پاریس، این کتاب هم مدتی به محاق رفت و حال قرار است به یاد زنده‌یاد بهمن امینی و انتشارات خاوران، سایتی طراحی شود و کتاب ما نیز در آن سایت به صورت آنلاین در اختیار همگان قرار گیرد.

این حرکت دادخواهانه، در مسیر خود سه خواست زیر را تعریف کرد: (۱) آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، (۲)

لغو قانون شکنجه و مجازات اعدام از جمله؛ اعدام، ترور، کشتار خیابانی، شکنجه، سنگسار و قصاص، (۳)

محاکمه و مجازات آمران و عاملان تمامی جنایت‌های صورت گرفته در طول حکومت جمهوری اسلامی ایران در دادگاه‌هایی عادلانه و علنی و مردمی. در ادامه به این نتیجه رسیدیم که برای پیگیری این سه خواست، نیازمند آنیم که خواست‌های دیگری را نیز دنبال کنیم. از جمله: (۴) حق داشتن آزادی بیان و اندیشه، (۵) حق داشتن تجمع، اعتصاب، تشکل و سازمان‌ها و احزاب مستقل، (۶) رفع هر گونه تبعیض، (۷) جدایی دین از حکومت و غیره. زیرا علت اصلی آزادی‌کشی، جنایت، تبعیض و بی‌عدالتی در جمهوری اسلامی ایران را در ساختار و فرهنگ به شدت تبعیض‌آمیز و قوانین آزادی‌ستیز آن می‌دانیم و اطمینان داریم تا زمانی که این فرهنگ و ساختار تبعیض‌آمیز با قوانین ناعادلانه آن تغییر نکند و حداقل‌های دموکراسی با ساختاری دموکراتیک در ایران پیاده نشود، ما دگران‌دیشان در ایران هم چنان با حبس، شکنجه، اعدام و انواع و اقسام محرومیت‌ها و حتی قتل‌های ناشی از ستم

های عقیدتی، دینی، قومی، جنسیتی و طبقاتی نهادینه شده در جامعه روبرو خواهیم بود، زیرا این حکومت استبدادی-دینی، نه تنها فعالیت‌های ما را با تعابیری چون شرعی و عرفی زیر ضرب برده و این تبعیض‌ها را در فرهنگ ما اشاعه داده است، بلکه آن را با قانون مجازات اسلامی اش، مجاز و قانونی نیز کرده است.

این حکومت ستمگر و فاسد، آن‌چنان بر تمام شریان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حتی زندگی خصوصی مردم چنگ انداخته که یک روز را بدون خیرهایی تلخ از ظلم‌های بی حد و حساب آن و زندگی فاجعه بار مردم سر نمی‌کنیم. از جمله: توهین، تبعیض، سانسور، سرکوب، بازداشت، شکنجه، اعترافات اجباری، پرونده سازی‌های جدید، وثیقه‌های سنگین، تبعیض و تحقیرهای جنسیتی در زندان‌ها و در زیر پوست شهر و روستا، احکام سنگین زندان و اعدام و شلاق، محرومیت زندانیان سیاسی و حتی زندانیان عادی از حقوق انسانی و مدنی خود، شیوع بیماری و قتل‌های خاموش در زندان‌ها و بیرون از زندان‌ها، به حراج گذاشتن کارخانه‌ها به مثنی فاسد، بیکار کردن کارگران و زحمتکشان، نپرداختن حقوق، بی‌خانمانی، اخراج، تعدیل نیروی انسانی بدون پشتوانه‌های اجتماعی، تورم، آلودگی محیط زیست، قتل‌های خاموش و خودکشی‌های بی حد و حساب، آتش سوزی، تخریب یا تصاحب خانه‌های مردم، قتل‌های ناموسی و هزاران تبعیض و ستم و بی‌عدالتی دیگر که این حکومت جنایت‌کار و فاسد چون آواری بر سرمان خراب کرده است و می‌کند.

در قوه قضاییه و دادگستری نیز همواره جمع جنایت‌کاران و دزدان و دروغ‌گویان حضور داشته‌اند تا ضمن پرونده سازی برای معترضان، سهم‌شان را از قدرت و غنایم به دست آمده بگیرند.

چه باید کرد؟ آیا راهی جز مقاومت،

ایستادگی، دادخواهی، تشکل، اتحاد، اعتراض، اعتصاب، مطالعه و بازادامه‌ی مبارزه راه دیگری هست؟

مهم‌ترین هدف ما از دادخواهی نیز بالا بردن «روحیه‌ی مقاومت و ایستادگی علیه ستم، تبعیض و بی‌عدالتی» است. اینکه با تکیه بر نیروی مستقل خودمان و با اتحاد با همدیگر صدای اعتراض مان را بلند کرده و خواسته‌ها و مطالبات مان را پیگیری کنیم. م. اینکه به ظالمان اجازه ندهیم که بر زندگی ما چنبره بزنند و هست و نیست ما را به داو بگذارند و نفس مان را بیش از این بگیرند. در این صورت است که می‌توانیم در برابر بیدادگران بایستیم و به بیدادگری‌های این حکومت سرایا فساد و ظالم پایان دهیم و دنیایی دموکراتیک و عادلانه بسازیم.

پر توان و پیروز باشیم

مادران پارک لاله ایران

۱۰ تیر ۱۳۹۹